

تحلیلی بر مهم‌ترین علل شکل‌گیری قیام مردمی تونس از منظر اقتصاد سیاسی

۲۰۱۰-۲۰۱۱

عبدالکریم فیروز کلائی^۱

چکیده

قیام‌های اخیر خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ میلادی از تونس آغاز شد و به سرعت به دیگر کشورهای منطقه گسترش یافت. این قیام‌ها در برخی از کشورها مانند مصر، تونس و لیبی منجر به سقوط رژیم‌های حاکم شدند و در برخی از کشورهای دیگر، رژیم‌های پیشین همچنان حاکم هستند. این قیام در کشور تونس، زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... داشته، اما یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری قیام مردمی تونس، مرتبط با مسائل اقتصاد سیاسی است. در همین راستا، سوالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که، مهم‌ترین علل بروز قیام مردمی تونس از منظر اقتصاد سیاسی کدامند و چه نقشی در شکل‌گیری قیام مردمی این کشور داشته‌اند؟ (سوال) مقاله با عنایت به رویکرد اقتصاد سیاسی خود این ایده را مطرح کرده است که تعارض میان جامعه پویا و جوان تونس با ساختارهای اقتصادی-سیاسی رانتی در بروز قیام مردمی در کشور تونس که به صورت موردی بررسی شده است، زمینه اصلی بروز حرکت‌های اعتراضی علیه نظام حاکم بوده است. (فرضیه) این نوشتار می‌کوشد که با تمرکز بر مسائل مرتبط با اقتصاد سیاسی، قیام مردمی تونس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. (هدف) در این نوشتار از روش توصیفی و تحلیلی در تبیین متغیرهای مورد نظر بهره گرفته شده است. (روش) این مقاله با تشریح دقیق شرایط اجتماعی جامعه تونس و تبیین ساختار رانتی، ماهیت این ساختار رانتی و ریشه‌ها و تأثیر آن را در بروز قیام مردمی تونس تحلیل کرده است. (یافته) عرصه زمانی بحث مقاله نیز بر سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ متمرکز است.

واژگان کلیدی: قیام مردمی تونس، ساختار رانتی، جوامع پویا، اقتصاد سیاسی، عوامل

مختلف تولید رانت.

۱. مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

ت. تصویب: ۹۴/۵/۱۸

ت. دریافت: ۹۴/۴/۴

مقدمه

تحولات اخیر خاورمیانه، تحولات جدیدی به حساب می‌آیند که تاکنون در جهان عرب بی‌سابقه بوده و توجه بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشمندان جهان را به خود جلب کرده است. تحولاتی که نشانگر نا کارآمدی ساختارهای سیاسی و اقتصادی حاکم در این نوع کشورها بوده که به واسطه چهار دهه رکود و عدم پویایی قادر به پاسخگویی به نیازهای یک جامعه جوان و بالنده نبوده است.

در همین رابطه، قیام‌های مردمی تونس در حالی شکل گرفت که سال‌ها فساد، ناکارآمدی و استبداد در این کشور حاکم بوده و حکومت بن علی هر گونه مخالفت علیه خود را به شدت سرکوب می‌کرد، در عین حال این کشور سال‌ها در ائتلاف با غرب بوده و می‌توان گفت که از مهمترین زمینه‌های پیدایش قیام مردمی ۲۰۱۰ در این کشور، همین عوامل استبداد، ائتلاف با آمریکا و وابستگی دولت به حمایت‌های خارجی در کنار عوامل فرهنگی و اقتصادی بوده است.

با این حال، عوامل اقتصادی نقش پررنگی در بروز نا آرامی‌ها و سقوط دولت بن علی داشتند و با وجود اینکه عوامل دیگر هم تاثیر بسزایی در شکل‌گیری قیام داشته اند اما مقاله با رویکرد اقتصاد سیاسی خود به تحلیل قیام تونس پرداخته است.

لذا در این پژوهش پس از طرح چارچوب نظری، ابتدا به سیر تحولات تونس به طور اجمالی می‌پردازیم و در ادامه به تاثیر منابع درآمدهای رانتی، تعارض جوامع پویا با ساختارهای اقتصادی-سیاسی رانتی و پویایی جمعیت، بیکاری، تورم و تصلب نظام رانتیری در شکل‌گیری قیام‌های مردمی در این کشور خواهیم پرداخت.

۱ - چارچوب نظری

۱-۱- مفهوم رانت و دولت رانتیر:

رانت از جمله مفاهیمی بوده که از زمان طرح آن در ادبیات سیاسی تحولاتی را تجربه کرده است. دیوید پیرس در لغت نامه اقتصاد مدرن رانت را به این صورت تعریف کرده است، رانت، پرداختی در ازاء یک عامل تولید است که از میزان لازم برای

حفظ کاربرد فعلی آن بیشتر باشد. اقتصاددانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو از مدتها پیش به مفهوم رانت توجه کرده بودند. به باور اسمیت رانت نوعی ویژه از منبع درآمد است که با دیگر منابع درآمد همچون دستمزد و سود تفاوت دارد. رانت به شیوه‌ای متفاوت از دستمزد و سود در ترکیب قیمت کالاها وارد می‌شود. به این صورت که سود بالا یا پایین سبب بالا یا پایین رفتن قیمت کالا می‌شود، اما رانت بالا یا پایین عامل قیمت بالا یا پایین کالا نیست بلکه نتیجه آن است.^۱

ریکاردو، یکی دیگر از نظریه پردازان اقتصاد کلاسیک، رانت را بازدهی منبع زمین اضافه بر آنچه که برای به کارگیری آن لازم است می‌داند. علت این بازدهی، کمیابی نسبی زمین حاصلخیز است. به این مفهوم که با افزایش تقاضا برای مواد غذایی، زمین‌های بیشتری زیر کشت خواهند رفت. اگر قیمت مواد غذایی به اندازه‌ای بالا باشد که زیر کشت بردن زمین‌های نامرغوب نیز سودآور شود، در این شرایط مالکان زمین‌های حاصلخیز مازاد درآمدی به صورت رانت در ارتباط با منابعشان دریافت خواهند کرد. بنابر آنچه ذکر شد می‌توان گفت رانت درآمد، و به تعبیر صریحتر، جایزه‌ای است که از مالکیت منابع طبیعی ناشی می‌شود. این درآمد بدون تلاش مولد به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی همچون دستمزد و سود قرار می‌گیرد.^۲ از دیدگاه برخی رانت در واقع نوعی بهره مالکانه بود که دولت بهره مند در ازاء برخورداری از آن به مردم خود می‌پرداخت.

۱-۲- منابع درآمد رانتی:

لازم به ذکر است که به تبع تعریف از رانت، برخی دولتها به دولتهای رانتیر و یا بنا به ترجمه پارسی زبانان دولت تحصیلدار موسوم گشتند. بر اساس یک شاخص پذیرفته شده، دولت رانتیر دولتی بود که حداقل ۴۲ درصد از درآمدهای خود را از منبع رانت

۱. حاجی یوسفی (۱۳۷۶) «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی» اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۵ و

۱۲۶، بهمن و اسفند، ص ۱۵۲.

۲. میرترابی (۱۳۸۷) نفت، سیاست و دموکراسی، تهران، نشر قومس، ص ۴-۵.

بدست آورد.^۱ در امواج ابتدایی مطالعات دولت رانتیر منبع رانت یک موهبت طبیعی خدادادی تصور می‌شد که در بهره‌مندی از آن سهم محدودی از نیروی کار جامعه درگیر بودند.

همانطور که ذکر شد، در موج اول مطالعه رانت، منابع طبیعی، مهمترین منبع رانت به حساب می‌آمدند. بنابراین فرضاً درآمدی که از محل فروش نفت و گاز یا دیگر منابع معدنی همچون الماس نصیب دولت‌های مالک بر این منابع می‌شود، نوعی رانت به حساب می‌آید. اینگونه منابع رانت، حالتی متمرکز و نه پراکنده دارند، به همین علت است که به طور مثال مازاد درآمد تولید نفت و گاز به طور عمده در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی و دولت‌های مرکزی قرار می‌گیرد. از این رو بر طبق این مفهوم، کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهایی چون قزاقستان، ترکمنستان و... دولت‌های رانتیر تلقی می‌شوند. در بسیاری از کشورهای عربی، صادرات نفت و گاز بیش از ۸۰ درصد ارزش مجموع صادرات کالاها را تشکیل می‌دهد. حتی در این کشورها همچون سوریه و یمن که ذخایر نفت و گاز چندانی وجود ندارد صادرات سوخت بخش عمده صادرات کشور را تشکیل می‌دهد. برای نمونه بر پایه گزارش بانک جهانی مواد سوختی حدود ۷۰ درصد از مجموع صادرات هر دو کشور را تشکیل می‌دهد.

اما در مراحل بعدی مطالعه، مفهوم رانت و عامل آن توسعه یافت. بطوریکه امروزه عامل رانت تنها به منابع طبیعی مربوط نمی‌شود، بلکه مسائل دیگری را هم در بر می‌گیرد. در ادبیات اقتصادی امروز، رانت را به عنوان درآمدی در نظر می‌گیرند که بالاتر از حداقل درآمدی است که یک فرد یا یک بنگاه در شرایط بازاری به دست می‌آورد. با این تعریف، دامنه وسیعی از درآمدهای دنیای واقعی مشمول رانت می‌شوند. زیرا شرایط رقابت کامل به طور معمول وجود ندارد.

بر این اساس، سودهای انحصاری، یارانه‌ها و انتقالات سازمان یافته از راه سازو

3. Beblawi, Luciani (1987) *The Rentier State*, New York, Croom Helm, p45.

کارهای سیاسی، انتقالات غیرقانونی سازمان یافته از راه گروه‌های مافیایی، سودهای فوق العاده کوتاه مدت که نصیب نوآوران می‌شود و مواردی دیگر از این دست، همگی مشمول رانت می‌شوند. با این حساب، برخی از رانت‌ها قانونی و برخی غیرقانونی هستند. برخی از آنها همچون رانت‌های انحصاری ممکن است نشانه ناکارایی باشند در حالیکه برخی دیگر همچون رانت‌های نوآوری، یارانه‌های پرداختی به صنایع نوزاد ممکن است نشانه‌ای از کارایی و بهره‌گیری موفقیت‌آمیز از فرصت‌های رشد اقتصادی باشند. همینطور کمک‌های اعطایی قدرت‌های بزرگ به برخی از دولت‌های حامی خود که به "رانت استراتژیک" موسوم است نیز یکی از منابع رانت تلقی می‌شود. این کمک‌ها که در برخی موارد درصد درخور توجهی از درآمد دولت‌های دریافت‌کننده را در برمی‌گیرند، منشأ خارجی دارند و بدون ارتباط با اقتصاد داخلی کشور مورد نظر، به دست می‌آیند. دولت اردن نمونه خوبی از نظر دریافت این نوع رانت به حساب می‌آید. به لحاظ تاریخی رانت‌های استراتژیک عمدتاً به واسطه کنترل بر راهزنی دریایی سازمان یافته در راه‌های مهم حمل و نقل دریایی شامل کانال‌ها به دست آمده‌اند. همچنین ائتلاف‌هایی نظامی و کمک اعطایی این ائتلاف‌ها منبعی برای رانت‌های استراتژیک بوده است.^۱

در نهایت امر، پولهای ارسالی کارگران خارجی مقیم در کشورهای ثروتمند و نفت خیز خاورمیانه به کشورهای مبدأ خود نیز نوعی درآمد رانتی به حساب می‌آید. ویژگی بارز این نوع رانت نیز این است که درآمد حاصل، بدون ارتباط با اقتصاد داخلی کشور مبدأ، تحصیل می‌شود. حجم بالای رانت حاصل از پول‌های ارسالی کارگران بدین معناست که نوعی چرخه توزیع درآمدهای نفت در سطح منطقه وجود دارد؛ بدین صورت که اتباع کشورهای پرجمعیت کمتر نفت خیز با اشتغال در کشورهای کم جمعیت نفت خیز و ارسال پول‌های خود به کشور مبدأ سبب توزیع درآمدهای نفت در سطح کشورهای منطقه می‌شوند.^۲ روی هم رفته، در مراحل سه‌گانه مطالعه رانت، منابع

۱. میرترابی (۱۳۹۱) بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۳۵-۳۳.

۲. میرترابی (۱۳۸۷) نفت، سیاست و دموکراسی، تهران، نشر قومس، ص ۶.

طبیعی، رانت استراتژیک و وجوه ارسالی کارگران مشغول به کار در خارج به عنوان سه منبع اصلی درآمد دولت رانتیر شناخته شده اند. اقتصاد تونس نیز از هر سه مورد رانت بهره می برد. ساختارهای بجا مانده از رانتیرسم آثاری را در فرجام انقلاب تونس گذارد.

۲- سیر تحولات تونس

۲-۱- تونس

کشور تونس طبق برآورد سال ۲۰۱۱، جمعیتی معادل، ۱۰،۶۲۹،۱۸۶ نفر داشته است. این کشور در شمال مرکزی آفریقا بین الجزایر و لیبی واقع شده است و مساحت آن ۶۳۲۰۰ مایل مربع (۱۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع) است. تونس دارای یک ساحل مدیترانه‌ای طولانی است و کاملاً تحت تأثیر مدیترانه قرار دارد.^۱

دولت این کشور، بعد از استقلال همچنان به توسعه معادن فسفات و دیگر معادن و ایجاد کارخانه‌های فرآوری در نزدیکی معادن یا در طول خط ساحلی ادامه داد. مقداری نفت در جنوب و مرکز یافت می‌شود. تلاش برای توسعه صنایع سنگین (مانند فولاد و کشتی‌سازی) محدود بوده است. در این اواخر صنایع سبک در بخش‌های تهیه لباس، کالاهای خانگی، محصولات غذایی و برش الماس رشد یافته است.

بخش خدمات نیز در تونس نقش اساسی دارد. اشتغال در بخش خدمات حدود ۵۵ درصد از نیروی کار را در بر می‌گیرد. جهانگردی به عنوان یک صنعت خدماتی بزرگ بیشتر در ساحل رواج دارد و به اروپایی‌ها مربوط می‌شود که برای تعطیلات خود به ساحل می‌آیند و در اماکن تاریخی به گردش می‌روند.

همچنین صادرات در این کشور، محصولات صنایع سبک، محصولات کشاورزی مانند گندم، مرکبات و روغن زیتون را در بر می‌گیرد. واردات هم شامل انواع کالاهای مصرفی و ماشین‌آلات صنعتی می‌شود.^۲

۱. موسسه آینده پژوهی جهان اسلام (۱۳۹۴) جمعیت تونس، قابل دسترسی در: <http://www.iiwfs.com>

۲. «فرهنگ تونس» (۱۳۸۹) پژوهش‌های منطقه‌ای، ترجمه گروه مترجمین صراط، شماره ۵، پاییز، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۲۱.

۲-۲- انقلاب یاس و فرجام آن

وقوع انقلابی مردمی و گسترده که نظام مستحکم و مسلح به نیروهای امنیتی و نظامی نیرومندی چون نظام زین العابدین بن علی در تونس را به زیر می‌کشد، به سادگی نشان دهنده عدم مقبولیت گسترده نظام و در نتیجه فقدان کامل مشروعیت آن می‌باشد. انقلاب تونس همچون سایر انقلاب‌های مردمی نشان‌دهنده به حداقل رسیدن مشروعیت نظام حاکم بود؛ نظامی که آزادی‌های سیاسی و مدنی را با شعار دولت رفاه مصادره کرد و در نهایت هیچ یک از این دو را محقق نساخت.^۱

در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰، جوانی به نام محمد ابو عزیز در شهر دور افتاده سیدی بوزید (۲۷۰ کیلومتری جنوب غرب پایتخت)، در اعتراض به مصادره گاری و سبزیجاتی که تنها منبع درآمدش بود، درملاً عام دست به خودسوزی زد. خودسوزی وی به مثابه جرقه‌ای بود که آتش به بنیان دیکتاتوری بن علی زد. از همان روز تظاهرات در این شهر حاشیه‌ای آغاز شد و به تدریج به سایر شهرها و در نهایت به پایتخت رسید. واکنش دولت به موج اعتراضات به دو شکل بروز کرد. رژیم بن علی ابتدا بسان گذشته از نیروهای امنیتی برای سرکوب تظاهرات رو به گسترش استفاده کرد و بیش از ۷۰ تن در این رویارویی‌ها کشته شدند. با این حال، اعتراضات مردمی نه تنها متوقف نشد بلکه بر گستره و شدت آن افزوده شد. پس از آنکه این نکته برای رژیم بن علی روشن شد که سرکوب دیگر همچون گذشته نمی‌تواند ملت خشمگین را به خانه‌هایشان باز گرداند و به علاوه ناتوانی نیروهای امنیتی در پیشگیری از گسترش شورش‌ها هویدا شد، بن علی از ارتش خواست برای حمایت از مؤسسات و مبان دولتی و نیز مقابله با شورش‌ها به خیابان بیاید.

در همین راستا، ارتش به خیابان‌ها آمد، اما نه تنها دست به سرکوب و مقابله با مردم نزد بلکه در موارد بسیاری نقش حائل بین نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان را بازی

کرد. نقش ارتش کم‌رنگ‌تر از قبل از قیام بود. شاید این نقطه ضعف رژیم و نقطه قوت برای قیام و انقلاب مردمی محسوب می‌شد. حکومت بن علی، حکومتی پلیسی بود. که روی اطلاعات و امنیت تاکید بسیاری داشت و خوشبختانه ارتش نقش سیاسی پررنگی در کشور نداشت.^۱

در نتیجه، بن علی از ارتش تونس خواست برای حمایت از مؤسسات و نهادهای دولتی و در واقع مشارکت در سرکوب مردم، به خیابان‌ها بیاید. در واقع، بن علی با فراخواندن ارتش به خیابان‌ها کمک فراوانی به پیروزی انقلاب کرد. زیرا ارتش تونس نه تنها دست به سرکوب معترضان نزد بلکه در مواردی نقش حائل بین معترضان و نیروهای امنیتی را ایفا کرد و در نتیجه مانع سرکوب معترضان از سوی این نیروها شد.^۲ زین العابدین بن علی که آخرین برگ برنده خود را رو کرده بود، در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱، در یک سخنرانی خطاب به مردم تونس سعی کرد با دادن وعده‌هایی خشم ملت را فرو بنشانند. وی در این سخنرانی قول ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید، آزادی بازداشت شدگان هفته‌های اخیر، عدم نامزدی برای دوره‌های بعدی ریاست جمهوری و بازخواست مسئولان مفاسد اقتصادی را داد و دستور توقف شلیک به تظاهرکنندگان را صادر کرد.

اما این سیاست جدید که آشکارا از ضعف و ناتوانی نظام بن علی ناشی می‌شد، نه تنها مردم تونس را آرام نکرد بلکه نشانه‌ای مبنی بر ناتوانی رژیم و پیروزی قریب‌الوقوع اعتراضات داد. در نتیجه، در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات با شدت بیشتری ادامه یافت و بن علی مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس بگریزد.^۳ از این منظر گاهی ارتباط تنگاتنگی میان سرنوشت دولتها در تونس و ساختار اقتصادی رانتی این کشور وجود دارد.

۳- منابع درآمدهای رانت تونس

یکی از ویژگی‌های کشورهای خاورمیانه میزان فراوان رانت‌های خارجی در حوزه

۱. رضایی (۱۳۸۹) «تحولات کشور تونس و پیامدهای آن»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان، ص ۱۷۶.

۲. حسینی عارف (۱۳۹۰) بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی، قم، نشر سنابل، ص ۸۶.

۳. احمدیان (۱۳۸۹) «تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه‌ای آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم،

شماره ۴۴، زمستان، ص ۵-۴.

اقتصاد سیاسی و تنوع این نوع رانت هاست، در این میان، سه نوع رانت خارجی اهمیت فراوانی دارند و تأثیر آنها در مورد کشور تونس مورد توجه بوده است که عبارتند از:

- رانت‌های حاصل از منابع طبیعی و به طور مشخص رانت‌های حاصل از صدور نفت و گاز؛
- رانت‌های استراتژیک؛
- رانت‌های حاصل از پول‌های ارسالی کارگران مقیم خارج.

۳-۱- رانت‌های حاصل از صدور نفت و گاز

رانت‌های منابع طبیعی، مزایای ناشی از در اختیار داشتن منابعی طبیعی است که ارزش زیادی برای اقتصادهای پر درآمد در کشورهای ثروتمند جهان دارد، منبع اینگونه رانت‌ها در طول زمان تغییر کرده است، در حال حاضر این نوع رانت‌ها شامل انواع مواد معدنی الماس و چوب‌های جنگلی است، با این حال، نفت در این میان اهمیت ویژه ای دارد، رانت‌های نفتی با توجه به هزینه‌های تولید مازاد درآمد به حساب می‌آیند و در ضمن این گونه رانت‌ها از منابعی به دست می‌آیند که حالتی متمرکز و نه پراکنده دارند، به همین علت است که مازاد درآمد تولید نفت به طور عمده در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی و دولت‌های مرکزی قرار می‌گیرد، کارشناسان بر این باورند که اتکای اقتصادهای عربی به رانت خارجی عامل بسیاری از مشکلات توسعه‌ای این کشورها به حساب می‌آید، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ذخایر غنی نفت و گاز را در خود جای داده و در بسیاری از کشورهای عرب صادرات نفت و گاز بیش از ۸۰ درصد ارزش مجموع صادرات کالاها را تشکیل می‌دهد، حتی در این کشورها همچون سوریه و یمن که ذخایر نفت و گاز چندانی وجود ندارد صادرات سوخت بخش عمده صادرات کشور را تشکیل می‌دهد، فرضاً بر پایه گزارش بانک جهانی مواد سوختی حدود ۷۰ درصد از مجموع صادرات هر دو کشور را تشکیل می‌دهد.^۱

۱. میرترابی (۱۳۹۱) بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

صادرات کشاورزی تونس بیش از صادرات صنعتی آن می‌باشد. تونس عضو موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌های گمرکی و بازرگانی است و نزدیکی این کشور با اروپا فرصتی را برای استفاده از امکانات مؤسسات بازاری مشترک فراهم نموده است. کشاورزی، معادن و منابع طبیعی، جهانگردی و صنعت نفت در اقتصاد تونس نقش مهمی دارند. زیتون، انگور، گندم، میوه‌جات و سبزیجات از فرآورده‌های کشاورزی تونس هستند. این کشور دارای منابع انرژی هم‌چون نفت، گاز طبیعی و معادن فسفات، آهن، روی و سرب است. تولیدات این کشور بیشتر شامل مواد شیمیایی، پارچه، برق و سیمان است. از این کشور نفت خام، روغن زیتون، مرکبات، آهن و سرب صادر می‌شود. تولید سالانه برق ۳/۹ میلیون کیلووات ساعت، تولید گاز طبیعی حدود ۴۵۰ مترمکعب صادرات در سال ۲۰۱۰، ۱۶/۴۱۶ بیلیون دلار و واردات ۲۲/۲۰۸ بیلیون دلار در همین سال می‌باشد. تولید نفت خام این کشور ۷۰ هزار بشکه در روز بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۱ می‌باشد.^۱

براساس جمعیت ۱۰ میلیون نفری این کشور^۲ و تولید و صادرات نفت و گاز پایین، تونس از جمله کشورهای با درآمدهای بالای نفتی به حساب نمی‌آید. در نتیجه، درآمدهای نفت و گاز به علت اندک بودن تأثیر چندانی در ایجاد فضای متصلب سیاسی نداشته‌اند. اما این کشور در ردیف کشورهای رانتی محسوب می‌شود.

۲-۳- رانت‌های استراتژیک

در عین حال در کشورهایی که منابع نفت و گاز کمتر بوده کمک خارجی نقش رانت خارجی را ایفا کرده است، از منظر روندهای مرتبط با اقتصاد سیاسی درآمدهای نفتی و رانت خارجی تفاوت چندانی با هم ندارند، هر دو شامل درآمدهایی می‌شوند که خارج از ساز و کارهای اقتصاد داخلی به دست می‌آیند و به شکل گیری دولت و اقتصاد رانتی

۱. ویکی پدیا (۲۰۱۴) انقلاب تونس، قابل دسترسی در: <http://fa.wikipedia.org>

۲. اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران (۱۳۹۴) اطاعات اساسی کشور تونس، قابل دسترسی در: <http://tccim.ir>

منجر می‌گردند، به لحاظ تاریخی مصر، اردن و سوریه به واسطه موقعیت استراتژیک خود در منطقه همواره کمک‌های خارجی گسترده‌ای دریافت کرده‌اند.

دومین رانت در اصطلاح، رانت‌های راهبردی یا استراتژیک خوانده می‌شوند، این رانت‌ها شامل درآمدهایی است که نصیب حکومت‌ها و یا دیگر سازمان‌هایی می‌شوند که در یک قلمرو مشخص دارای قدرتمند یا صرف نظر از واقعیت موجود قدرتشان مشروع تلقی می‌شود، به لحاظ تاریخی رانت‌های استراتژیک عمدتاً به واسطه کنترل بر راهزنی دریایی سازمان یافته در راه‌های مهم حمل و نقل دریایی شامل کانال‌ها به دست آمده‌اند. همچنین ائتلاف‌هایی نظامی و دریافت کمک به واسطه این ائتلاف‌ها منبعی برای رانت‌های استراتژیک بوده است، اکثر این منابع رانت، امروزه برای کشورهای فقیر همچنان اهمیت زیادی دارند.

امروزه بخش عمده‌ای از رانت‌های استراتژیک در قالب کمک‌های توسعه به کشورهای فقیر ارائه می‌شود، در چند دهه اخیر کمک‌های توسعه به شکلی فزاینده به کشورهای فقیر اختصاص پیدا کرده و همواره انگیزه‌هایی استراتژیک در ورای اعطای این کمک‌ها وجود داشته است، این نوع کمک‌ها به شیوه‌ای سخاوتمندانه‌تر به کشورهای کوچک ارائه شده است، در کشوری با درآمد متوسط همچون برزیل این گونه رانت‌ها از نظر مالی حجم در خور توجی به حساب نمی‌آیند و حتی در کشورهای بزرگ اما فقیری همچون هند نیز حجم این گونه کمک‌ها در مقایسه با مالیه عمومی چندان در خور توجه نیست، اما همین کمک‌ها برای کشورهای بسیار فقیر و کوچک نیم یا بیش از نیمی از منابع مالی حکومت را تشکیل می‌دهند.

کمک خارجی که در اصطلاح رانت استراتژیک نیز خوانده می‌شود عنصر مهمی در اقتصاد سیاسی جوامع عرب خاورمیانه است، با توجه به معیار درآمد سرانه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۰۸، ۷۳ دلار به ازای هر نفر از جمعیت خود دریافت کرده‌اند در حالی این رقم برای فقیرترین منطقه جهان یعنی آفریقای زیر صحرا ۴۹ دلار است.

شمال آفریقا از دهه ۱۹۷۰ تا کنون به طور پیوسته بزرگترین دریافت کننده

کمک‌های خارجی در مقایسه با دیگر مناطق دنیا بوده است، واقعیت این است که به لحاظ تاریخی اعطای کمک‌های خارجی همواره با ملاحظات استراتژیک قدرت‌های بزرگ در ارتباط بوده است، اساساً مطالعات صورت گرفته درباره کمک‌های خارجی به کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که انگیزه‌های سیاسی و استراتژیک جزء مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این گونه کمک‌ها بوده است، بسیاری از این دست کمک‌ها با پوشش کمک به توسعه کشور دریافت کننده کمک ارائه می‌شود اما در عمل ملاحظات دیگری به غیر از توسعه بر تخصیص کمک‌ها اثر گذاشته است، این بحث به خصوص درباره کمک‌های امریکا به کشورهای خاورمیانه درست است.

براساس گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ کمک برای توسعه کشورهای کم درآمد تنها ۸ درصد از کل کمک‌های امریکا را تشکیل می‌داد، بررسی دیگری نشان داد که امریکا در میان ۱۷ کشور اعطاکننده کمک در تخصیص کمک‌های ارسالی خود، نیازهای کشورهای فقیر را در آخرین مرحله خود قرار داده است، تخصیص بخش عمده‌ای از کمک‌های امریکا از طریق صندوق حمایت اقتصادی صورت می‌گیرد که توسط مؤسسه بین‌المللی توسعه، اداره می‌شود، هدف عمده این کمک‌ها اعطای پاداش به کشورهای دوست و کمک به ثبات سیاسی در مناطقی است که از نظر منافع ایالات متحده مهم تلقی می‌شوند، صاحب نظران بر این باورند که کمک‌های خارجی به منطقه خاورمیانه عموماً تحت ملاحظات ژئوپلیتیکی بوده است.^۱

با توجه به مباحثی که در ارتباط با رانت استراتژیک و کمک‌های مالی خارجی به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مطرح شد، لازم به ذکر است که تونس هم یکی از کشورهای دریافت کننده کمک‌های مالی خارجی به ویژه از ایالات متحده بوده اما جالب است که دخالت خارجی در امور داخلی تونس همواره در گزارش‌های رسانه‌ها کمتر ذکر شده است.

در همین ارتباط، تونس علاوه بر دریافت کمک خارجی از برخی کشورها از

صندوق بین المللی پول هم کمک خارجی دریافت می‌کرده که به تبع آن، نقش دولت بن علی برای به اجرا درآوردن اصلاحات اقتصادی صندوق بین المللی پول، که در طی یک دوره بیش از بیست سال پررنگ بوده و اقتصاد تونس را بی‌ثبات کرده و بر فقر مردم افزوده است. مدیریت اقتصاد کلان این کشور در دست طلبکاران خارجی که در رأس آن صندوق بین المللی پول در تونس بود. در طول ۲۳ سال گذشته، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در تونس با اجماع واشنگتن دیکته شده است.

بن علی به این دلیل در قدرت ماند زیرا دستورات صندوق بین المللی پول را به اجرا در می‌آورد، در حالی که در راستای خدمت به منافع ایالات متحده و اتحادیه اروپا بوده است. این الگو در کشورهای متعدد رخ داده است. تداوم اصلاحات شدید صندوق بین المللی پول نیاز به تضمین اجرای برنامه نئولیبرالی، در حالی صورت پذیرفت که شرایط برای سقوط دولت فاسد تونس که باعث گسترش فقر بود محیا شده بود.^۱

به طور کلی می‌توان گفت، سطح اتکا به رانت‌های خارجی در تونس در وضعیتی متوسط است. اما اگر به دیدگاه مطرح شده توسط پتراس توجه کنیم ساختار انحصاری و جزیره‌ای بخش گردشگری در این کشور را نیز می‌توان ساختاری رانتی به حساب آورد. تمرکز شدید قدرت در دست رئیس جمهور و وابستگی آن به غرب را نشانه‌ای برای سرخوردگی ناشی از رانت استراتژیک در نظر گرفت. رژیم در برخورد با اعتراضات اخیر به سرکوب گسترده متوسل شد و در عین حال به سبب وفور پایین درآمدهای رانتی امکان چندانی برای ارائه وعده‌های مالی گسترده و فوری برای فرونشاندن تب اعتراضات در اختیار نداشت.^۲

۳-۳- رانت‌های حاصل از پول‌های ارسالی کارگران مهاجر

پول‌های ارسالی کارگران مقیم خارج نیز منبع مهم دیگری برای رانت‌های خارجی

1. chossudovsky (2011) Tunisia and the IMF's Diktats: How Macro-Economic Policy Triggers Worldwide Poverty and Unemployment, January 20. available at <http://www.globalresearch.ca/tunisia-and-the-imf-s-diktats-how-macro-economic-policy-riggers-worldwide-poverty-and-unemployment/22867>.

۲. میرترابی (۱۳۹۱) بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۲۱۱.

است که به اقتصاد کشورهای منطقه به ویژه کشورهای فقیرتر وارد می‌شود، برای مثال در اردن این منبع ۱۳ درصد کل تولید ناخالص داخلی کشور را در سال ۲۰۱۰ به خود اختصاص داد. در واقع حجم بالای رانت حاصل از پول‌های ارسالی کارگران بدین معناست که نوعی چرخه توزیع درآمدهای نفت در سطح منطقه وجود دارد، بدین صورت که اتباع کشورهای پرجمعیت کمتر نفت خیز با اشتغال در کشورهای کم جمعیت نفت خیز و ارسال پول‌های خود به کشور مبدأ سبب توزیع درآمدهای نفت در سطح کشورهای منطقه می‌شوند.^۱

بررسی اسناد صندوق بین المللی پول نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۷ تا به حال، دولت بن علی صادقانه شروط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، از جمله اخراج کارگران بخش دولتی، افزایش حذف کالاهای مصرفی ضروری کنترل‌های قیمتی و یک برنامه خصوصی سازی فراگیر و دیگر برنامه‌ها را اجرا کرده بود. برداشتن موانع تجاری به سفارش بانک جهانی منجر به تحریک موجی از ورشکستگی شده بود.

پس از این تغییرات در اقتصاد ملی، حواله‌های پول نقد از کارگران تونس در اتحادیه اروپا به طور فزاینده منبع مهم درآمد ارز خارجی شد. پول‌های ارسالی بخشی از ۶۵۰/۰۰۰ تونسی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و وجوه ارسالی کارگران در سال ۲۰۱۰ به ۱/۹۶۰ میلیارد دلار، افزایش ۵۷ درصدی نسبت به سال ۲۰۰۳ داشت. سهم زیادی از این وجوه ارسالی در ارز خارجی استفاده شد که صرف پرداخت بدهی‌های این کشور شده بود.^۲

با توجه به مسائلی که مطرح شد می‌توان گفت تونس یکی از کشورهای وابسته به درآمدهای رانتی حاصل از رانت پول‌های ارسالی کارگران در خارج به حساب می‌آید.

۱. همان، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

1. chossudovsky (2011) Tunisia and the IMF's Diktats: How Macro-Economic Policy Triggers Worldwide Poverty and Unemployment, January 20. available at <http://www.globalresearch.ca/tunisia-and-the-imf-s-diktats-how-macro-economic-policy-riggers-worldwide-poverty-and-unemployment/22867>

این نوع رانت نقش پررنگی در اقتصاد این کشور داشته است. که این روند سبب شکل گیری و تداوم حکومت سرکوبگر بن علی شد و اعتراضات گسترده ای را در این کشور شکل داد که در نهایت منجر به شکل گیری قیام‌های اخیر در این کشور شد. با این وجود، در کنار منابع مختلف درآمدهای رانتی، تعارض خواست‌های جامعه جوان و پویای تونس با ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم بر این کشور، تأثیر قابل توجهی در بروز این قیام داشته است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴- تعارض جوامع پویا با ساختارهای اقتصادی-سیاسی رانتی

از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ خاورمیانه امیدبخش‌ترین چشم‌انداز اقتصادی دنیا را با وجود تنش‌های فراوان به خود اختصاص داده بود، کشورهای منطقه در پی افزایش شدید درآمدهای نفت رشد سریع اقتصادی را تجربه کردند، در برخی موارد این کشورها ظرف یک دهه از وضعیت فقر شدید به سطح بالایی از رفاه دست یافتند، رشد اقتصادی این کشورها جنبه‌ای استثنایی داشت و موقعیت نسبی شان در سطح جهان به میزان چشم‌گیری بهبود یافت، در سال ۱۹۸۰ درآمد کویت از اکثر کشورهای اروپایی بیشتر بود، بر همین اساس عربستان سعودی و عراق نیز در سطح رفاه کشورهای مرکز اروپا قرار داشتند، در این حال خاورمیانه به بازاری مهم در زمینه‌ی انواع کالاها و خدمات تبدیل گردیده بود. ایده‌ی عمومی این بود که ثروت نفت منطقه به شیوه‌ی معقولی مدیریت می‌شود و کشورهای صادرکننده‌ی نفت در حال گذار سریع به سوی اقتصادهای مدرن هستند، با این وجود این تصویر خوش بینانه و امیدبخش در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ دگرگون شد، از آن پس رشد درآمدهای نفت از رشد سریع جمعیت در کشورهای صادرکننده‌ی نفت عقب ماند. باید توجه داشت که تنها افزایش بهای نفت در سال‌های ۲۰۰۵ به بعد اندکی الگوی گذشته را دگرگون کرده است.

در سال ۱۹۷۰ شش کشور عمده صادرکننده‌ی نفت در منطقه‌ی خلیج فارس یعنی عربستان، ایران، عراق، کویت و قطر در مجموع، حدود ۴۵ میلیون نفر جمعیت داشتند، این رقم در سال ۲۰۰۰ بیش از دو برابر افزایش یافت و به ۱۱۰ میلیون نفر رسید، در

همین مدت مجموع تولید نفت این کشورها حدود ۵۰ درصد افزایش یافت و از ۱۳ میلیون بشکه در روز در ۱۹۷۰ به ۲۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت، با این وضع، درآمد سرانه نفت در این کشورها به شدت کاهش یافت.

دست کم هر سی سال یک بار جمعیت کشورهای عربی دو برابر می‌گردد، افزایش میانگین باروری در کشورهای عربی سبب شده است که بیش از پنجاه درصد از جمعیت این کشورها را افراد زیر بیست سال تشکیل دهند.^۱ جمعیت کشورهای عربی خاورمیانه به ۳۴۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده بود.^۲

در خلال چند دهه گذشته، کشورهای خاورمیانه، شاهد انفجار جمعیت جوان خود بوده اند که به واسطه آن ساختار سنی جمعیت در این کشورها به شدت تغییر یافته است. به همین علت، بخش عظیمی از جمعیت این کشورها را جوانان تشکیل می‌دهند، در بسیاری از این کشورها سه چهارم جمعیت از افراد زیر سی سال تشکیل شده است، در صورتی که شمار زنانی که به میزان بسیار بیش از گذشته خواهان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کشور هستند را در نظر بگیریم می‌توان گفت روندهای جمعیتی، شمار افراد جویای کار را به میزان بی سابقه ای افزایش داده است، در همین راستا در خلال دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ حجم نیروی کار در خاور میانه و شمال آفریقا سه برابر جهان در حال توسعه افزایش پیدا کرده است، نتیجه نهایی این وضع نرخ‌های بسیار بالای بیکاری جوانان در کشورهای منطقه نسبت به بقیه نقاط جهان است.

در همین زمان، جمعیت کشورهای عرب نه تنها جوان تر شده بلکه تحصیل کرده‌تر نیز شده است، جوامع منطقه ممکن است در خلال سال‌های گذشته نا کامی‌های فراوانی را تجربه کرده باشند اما واقعیت این است که در این مدت میزان دسترسی عموم افراد به تحصیلات در سطوح مختلف بهبود یافته و شکاف جنسیتی در آموزش میان مردان و زنان نیز کاهش یافته است، گزارش برنامه توسعه سازمان ملل درباره ارتقای شاخص

۱. ابراهیم (۱۳۹۰) کتاب بیداری اسلامی (دلایل و ریشه‌ها)، ج اول، ترجمه کمال باغجری، تهران، ابرار معاصر، ص ۳۰۲.

۲. گروه نویسندگان (۱۳۹۱) کتاب بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)، ج ۲، تهران، ابرار معاصر، ص ۲۵.

توسعه انسانی در کشورهای عربی حاکی از آن است که از میان ۱۰ کشوری که بیشترین رشد در ارتقای سطوح درآمد آموزش و بهداشت را در خلال چهل سال گذشته تجربه کرده اند ۵ کشور جزء کشورهای عربی هستند، واقعیت این است که خاورمیانه در دهه ۱۹۶۰ جزء عقب مانده ترین مناطق جهان از نظر سطوح آموزش بود.^۱ اما نرخ با سوادی بین افراد ۱۵ و ۲۴ ساله از ۴۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۷۸ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی افزایش یافته است. این یکی از بالاترین نرخ‌های توسعه در جهان است.^۲

البته کیفیت آموزشی که در این مدت به سرعت گسترش یافته جای بحث دارد و قطعاً نمی تواند به سادگی به بهبود کیفی سطوح آموزش همراستا با گسترش کمی آن رأی داد، با این حال، می توان خاطر نشان کرد که افزایش سطح آموزش و جوانتر شدن جمعیت افزایش انتظارات اجتماعی را به همراه داشته است، پدیده‌ای که از آن با توجه به گستردگی تغییرات صورت گرفته می توان با عنوان انقلاب انتظارات یاد کرد. این وضع، گرایشی نیرومند برای مشارکت جوانان در سطوح مختلف اداره کشور و دسترسی گسترده تر آنان به منابع را ایجاد کرده است، اما این گرایش که نیرویی همچون سیلی خروشان در لایه‌های مختلف جامعه در حال حرکت است با سد ساختارهای سنتی و ناکارآمد اداره کشور توسط نخبگان قدیمی برخورد کرده است.

روشن است که مسأله رشد سریع و انفجارگونه جمعیت و نیز تغییر در ترکیب سنی آن تنها به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محدود نمی گردد و این پدیده هر چند با شدت کمتر در دیگر مناطق جهان در حال توسعه نیز رخ داده است، با این همه، مشکل خاورمیانه این است که پوییش و تحرک فوق العاده جمعیتی با ساختارهای متصلب در اقتصاد سیاسی جوامع روبرو شده است در حالی که در مناطق دیگر به ویژه در شرق آسیا بالندگی و پویایی روندهای اقتصادی تا اندازه زیادی نیازهای جمعیت جوان را پاسخ داده است.

یکی از علل مهم ناکام ماندن ساختار اقتصاد سیاسی کشورهای خاورمیانه در تولید

شغل برای جمعیت روزافزون جوان کشور استمرار ساختارهای رانتیری در اقتصاد است، ساختارهای رانتیری از توسعه بخش خصوصی کارآمد جلوگیری کرده و بخش مهمی از اقتصاد را همچنان در کنترل دولت نگه داشته است در نتیجه، بخش خصوصی موجود عموماً به تدابیر حمایتی دولت در چارچوب روابط حامی پرورانه وابسته باقی مانده است، این وضع سبب تضعیف خصلت رقابتی اقتصاد حاکمیت قانون و روحیه کارآفرینی شده و در عوض، زمینه گسترش رانت جویی و فساد را فراهم کرده است، شرایطی که هم روند تولید شغل در اقتصاد و هم روند دستیابی به شغل برای افراد جویای کار را با محدودیت‌های جدی روبرو می‌کند.

با وجود آنکه کشورهای عرب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تفاوت‌های فراوانی از نظر وسعت جمعیت، منابع طبیعی، پیشینه تاریخی، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و مسائل دیگری از این دست دارند نقطه اشتراک مهمی در این جوامع به چشم می‌خورد که می‌تواند علل نارضایتی گسترده منجر به پیدایش موج حرکت‌های اعتراضی در آنها را توضیح دهد، نخستین و برجسته‌ترین نقطه اشتراک این جوامع در حوزه اقتصاد سیاسی اهمیت درآمد یا رانت‌های خارجی است که به طور مستمر وارد حوزه اقتصاد این کشورها می‌گردد، درآمدهای رانتی که در همه کشورهای منطقه شایع است ساختارهای ویژه‌ای را در حوزه اقتصاد و جامعه شکل داده که می‌توان از آن با عنوان ساختارهای رانتیری یاد کرد، این ساختارها که بر بستر محیط داخلی جوامع منطقه گسترانده شده و پیوندهای بیرونی مستحکمی نیز دارند در تأمین خواست‌ها و نیازهای جامعه جوان و پویای موجود ناتوانند، با این حساب، ریشه نارضایتی‌های منجر به بروز حرکت‌های اعتراضی در جوامع عرب منطقه را با تشریح وضعیت این ساختارها و تأثیرشان بر ثبات سیاسی جامعه می‌توان توضیح داد.^۱ با توجه به مطالبی که مطرح کردیم در اینجا به مطالعه موردی کشور تونس از نظر میزان رشد جمعیت، نرخ تورم و بیکاری که از مهمترین زمینه‌های اقتصادی قیام‌های اخیر تونس هستند می‌پردازیم.

۱. میرترابی (۱۳۹۱) بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۶۷-۱۶۵.

در سایه توجه گسترده نظام به آموزش و تخصیص بودجه‌های آموزشی بالا، درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تونس نسبت به کشورهای منطقه بسیار قابل توجه است و این کشور واجد یکی از باسوادترین جمعیت‌های جوان منطقه می‌باشد. با این حال، رشد نرخ و سطح سواد تونسی‌ها هیچ تناسبی با بازار کار و نیازمندی‌های انسانی اقتصاد این کشور ندارد. طبق گزارش برنامه توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶، نرخ بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد حدود ۶۵ درصد را جوانان تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، متوسط نرخ بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ افزایش یافت.

نرخ بالای بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده تونسی موجب بروز نگرانی‌هایی در زمینه گرایش احتمالی این جوانان به گروه‌های رادیکال شده بود. برخی احتمال پدید آمدن موجی از مهاجرت رامطرح می‌ساختند، اما با توجه به قدرت امنیتی و نظامی رژیم بن‌علی، هیچ کس پیش‌بینی وقوع تظاهرات و شورش‌های گسترده را نمی‌کرد. مسئله دیگر، سطح بالای فساد در ساختار سیاسی تونس به خصوص در میان نزدیکان بن‌علی و برادران همسرش، لیلی طرابلسی بود. هر چند سطح فساد در تونس در قیاس با کشورهای منطقه عربی چندان بالا به نظر نمی‌رسد، اما تمرکز فساد در ارکان قدرت از یکسو و هویدا بودن فساد نخبگان حاکم برای مردم تونس از سوی دیگر، نارضایتی و خشم تونسی‌ها را با توجه به شرایط بفرنج اقتصادی کشور دو چندان ساخت. طبق گزارش شفافیت بین‌الملل، تونس در سال ۲۰۱۰، از نظر سطح فساد در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۵۹ را داشت.^۱

۴-۱- رشد جمعیت

جمعیت تونس از ۶/۴ میلیون در سال ۱۹۸۰ به ۱۰/۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. نرخ رشد جمعیت در تونس از زمان دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ کاهش داشت که

در ۲/۵۴ درصد ثابت مانده بود و در دوره سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ به ۱/۱۲ درصد رسیده بود.

نسبت سنی جمعیت زیر ۱۵ سال از سال ۱۹۸۰ کاهش یافته است و نسبت سن کار در گروه سنی کار (۶۴-۱۵) از سال ۱۹۸۰ در حال افزایش یافتن است، که به ۵۴/۳ درصد افزایش یافت و به ۶۹/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی شده است.^۱ میزان رشد جمعیت از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ میلادی تقریباً ۴ میلیون نفر بوده است. که نشانگر رشد بالایی بوده است. اما رشد جمعیت مشکلاتی هم از جمله بیکاری، تورم و افزایش فقر و بیکاری به دنبال داشته است.

۴-۲- بیکاری

در تونس ایجاد مشاغل برای جوانان که تعدادشان به سرعت در حال رشد بود به خصوص زنان جوان برای پیوستن به نیروی کار کافی نبود. مشکل مهم‌تر این واقعیت است که جوانان تحصیل‌کرده در انتظار شغل خوب بودند اما مشغول به کار در مشاغلی بودند که با دستمزد کم و توسط بخش خصوصی غیررسمی ارائه شده بود این مشاغل مورد رضایت جوانان نبود.

جوانان بیکار ناراضی، از دولت برای پاسخگویی به خواسته‌های مشروع خود انتظار داشتند که ارائه فرصت‌های جدید به آنها است. در تونس، بیکاری دائماً بالا برای بیش از دو دهه قبل از انقلاب ۲۰۱۰ اغلب نرخ بیکاری بالاتر از ۱۴ درصد تا سال ۲۰۱۰ بوده است. نرخ بیکاری برای جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله بیشتر از ۳۰ درصد است. این میزان برای زنان جوان بالاتر و در مناطق فقیرتر است، به ویژه در غرب کشور است. این بیکاری ساختاری نتیجه هر دو اثر عرضه و تقاضا، از جمله عملکرد ناکارآمد از بازار کار است. نرخ بیکاری از نظر آموزش و پرورش در مورد جوانان تحصیل‌کرده برای درخواست شغل بهتر و مناسب و معقول، بیشتر است. با این حال، در شرایط فعلی با بالا رفتن سطح آموزش و پرورش یک

1. escwa.un (2009) the demographic profile of Tunisia, United Nations, World Population Policies, p6. available at :www.escwa.un.org.

شخص، احتمال کمتری برای پیدا کردن کار وجود دارد.^۱

براساس بررسی سالانه اقتصاد تونس توسط صندوق بین‌المللی پول، بیکاری در سال ۲۰۰۷ به ۱۲/۴ درصد به خصوص در میان جوانان تحصیل کرده رسیده بود.^۲ که اغلب این افراد دارای مدارک بالای دانشگاهی بودند. در مقطع دکتری ۲۶/۸ درصد، رشته پزشکی یا داروسازی ۲۹ درصد، رشته مهندسی ۲۴/۵ درصد، رشته‌های کارشناسی ارشد در رشته‌های اقتصاد، مدیریت و حقوق ۴۷/۱ درصد بود. این آمار از تحصیل‌کردگان بیکار نشان می‌دهد که مشکل بیکاری در تونس به علت عدم تخصص یا تخصص پایین نیست بلکه یکی از دلایل مهم بیکاری، عواملی همچون رشد جمعیت و همینطور افزایش تعداد افراد تحصیل‌کرده و عدم هماهنگی بازار کار با تحصیلات بود.^۳

بسیاری از افراد تحصیل‌کرده زمانی که کاملاً از یافتن کار مأیوس شدند چاره‌ای جز راه‌اندازی کسب و کاری کوچک در بخش غیررسمی یا مهاجرت به کشورهای دیگر به صورت قانونی یا غیرقانونی نداشتند. سرخوردگی و ناامیدی در میان بسیاری از جوانان به اوج رسیده بود، و خودکشی افزایش یافته بود. در برخی از موارد، جوانان خود را در اماکن عمومی به منظور جلب توجه مقامات سرکوبگر به منظور آشکار کردن شرایط روانی و اجتماعی خود را آتش می‌زدند.^۴

۴-۳- تورم

نرخ تورم به طور متوسط نزدیک به ۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ بود و پس از آن به تقریباً ۳

1. Boughzala (2013) " youth employment and economic transition in tunisia ", Global Economy and Development at BROOKINGS, January,p3-4.

2. toujas-Bernate and Bhattacharya (2010) Tunisia Weathers Crisis Well, But Unemployment Persists,IMF Middle East and Central Asia Department, September 10. available at <http://www.imf.org/external/pubs/ft/survey/so/2010/car091010a.htm>

3. a joint study by The Government of Tunisia.The African Development Bank. The Government of the United States(2013)" towards a new economic model for Tunisia: identifying Tunisia binding constraints to broad-based growth", mcc,p172.

4. achy (2010) the complications of umemployment in Tunisia, December 27. available at: http://carnegie-mec.org/publications/?fa=42200&solr_hilite.

درصد به طور میانگین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ کاهش یافت.^۱ نرخ تورم در سال ۲۰۰۸، ۴/۹ درصد و در ۲۰۰۹ به ۳/۵ درصد رسید، اما در ۲۰۱۰ با افزایش به ۴/۴ درصد رسید.^۲ در یک دهه گذشته نرخ تورم در تونس به طور متوسط ۵/۲۲ درصد بوده است و بالاترین نرخ به ۱۶/۷ درصد در سال ۱۹۸۲ رسیده بود همینطور یک رکورد کم ۱/۴ درصد در ژوئن ۱۹۷۰ داشته و در سال ۲۰۰۹، میانگین تورم در ۳/۷۳ درصد گزارش شده است.^۳ اما در سال ۲۰۰۸ با توجه به افزایش قیمت انرژی و غذا، تورم تا ۵ درصد افزایش داشت. کنترل تورم نشان‌دهنده یک ابزار مهم برای مبارزه با فقر است. ولی با توجه به درآمد پایین خانوارهای تونس، قدرت خریدشان پایین بود و همینطور به علت قیمت مصرف‌کننده کالاها نسبت به درآمد خانوارهای تونس، خانوارهای غیرفقر هم قدرت خریدشان کاهش یافته بود.^۴

۴-۴- فقر

در سال ۲۰۱۱ در تونس تعداد کسانی که با درآمدی معادل دو دلار در روز زیر خط فقر به سر می‌بردند ده درصد بود. به خاطر وجود چنین مشکلاتی سن ازدواج به بالای چهل سال و شاخص امید به زندگی ۹ تا ۱۵ سال از اروپا کمتر است. علاوه بر سطح درآمد، سطح خدمات عمومی هم پایین است. بعد از چهار دهه هنوز این کشور دارای ساختار منظم خدمات عمومی نیست. طبق مطالعه مؤسسه گالوپ، تونس با وجود رشد اقتصادی با کاهش استانداردهای زندگی مواجه است.^۵

1. Chemingui and sanchez (2011) assessing development strategies to achieve the mdgs in the republic of Tunisia, united nations department for social and economic affairs, October, p7.

2. word bank (2013) Inflation, consumer prices. available at <http://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG>.

3. hachicha and hooihooi (2013) " Inflation, Inflation Uncertainty and Output in Tunisia", economics-ejournal, January 07. (<http://www.economics-ejournal.org>)

4. Chemingui and sanchez (2011) assessing development strategies to achieve the mdgs in the republic of Tunisia, united nations department for social and economic affairs, October, p7.

۵. گروه نویسندگان (۱۳۹۱) کتاب بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)، ج ۲، تهران، ابرار معاصر، ص ۳۵.

نتیجه‌گیری

این مقاله نقش اقتصاد سیاسی در بروز قیام‌های مردمی در کشور تونس را مورد بررسی قرار داد. به طور قطع رخداد پیچیده ای همچون بروز جنبش‌های اجتماعی و انقلاب در تونس، تحت تأثیر طیف مختلفی از عوامل است و ریشه بروز این ناآرامی‌ها را نمی‌توان تنها به ساختارهای اقتصادی و سیاسی رانتهی نسبت داد.

با این همه، این بررسی در چارچوب رویکرد جدید در مطالعات نفت و سیاست صورت گرفت و طی آن تحلیلی ارائه شد که هم سطوح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را مدنظر قرار داد و هم به شیوه ترکیب درآمدهای رانتهی با طیفی از متغیرهای سیاسی و اجتماعی واسط داخلی در منطقه توجه کرد. به نظر می‌رسد این شیوه نگاه، هم از رویکرد تقلیل نگر در تحلیل علل بروز قیام مردمی در کشور تونس جلوگیری می‌کند و هم قادر است علل تفاوت سرنوشت کشورها در خلال این رخدادها را تا اندازه زیادی توضیح دهد.

در نهایت، عواملی همچون درآمدهای رانتهی، فقر، بیکاری و تورم که با رشد جمعیت هم همراه بوده اند زمینه‌های نارضایتی را فراهم و تأثیر عمده ای در شکل گیری اعتراضات مردم تونس داشته اند که این اعتراضات توسط دولت بن علی سرکوب می‌شده و به افزایش نارضایتی منجر شد. انباشت نارضایتی‌ها سرانجام منجر به شکل گیری قیام اخیر مردم تونس و نظام را سرنگون ساخت.

منابع

• منابع فارسی

- ۱- احمدیان، حسین، (۱۳۸۹) «تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه ای آن»، فصلنامه **مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان.
- ۲- احمدیان، حسن (۱۳۹۰) انقلاب تونس، زمینه‌ها و پیامدها، وبگاه پژوهشکده تحقیقات راهبردی، قابل دسترسی در: <http://www.isrjournals.ir>
- ۳- اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران (۱۳۹۴) اطلاعات اساسی کشور تونس، قابل دسترسی در: <http://tccim.ir>
- ۴- ابراهیم، سعدالدین (۱۳۹۰) **کتاب بیداری اسلامی (دلایل و ریشه‌ها)**، ج اول، ترجمه کمال باغجری، تهران، ابرار معاصر.
- ۵- تفالو، کریس (۱۳۸۹) **اتحادیه عرب و مباحث اساسی خاورمیانه امروز**، ترجمه داوود آقایی و نفیسه روشن، تهران، سرای عدالت.
- ۶- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶) «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسیم: یک بررسی مفهومی» **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶، بهمن و اسفند.
- ۷- حسینی عارف، علیرضا (۱۳۹۰) **بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی**، قم، نشر سنابل.
- ۸- رضایی، حسن (۱۳۸۹) «تحولات کشور تونس و پیامدهای آن»، **پژوهش‌های منطقه ای**، شماره ۵، پاییز و زمستان.
- ۹- «فرهنگ تونس» (۱۳۸۹) **پژوهش‌های منطقه‌ای**، ترجمه گروه مترجمین صراط، شماره ۵، پاییز.
- ۱۰- گروه نویسندگان (۱۳۹۱) **کتاب بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)**، ج ۲، تهران، ابرار معاصر.
- ۱۱- میرترابی، سعید (۱۳۹۱) **بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۱۲- میرترابی، سعید، (۱۳۸۷) **نفت، سیاست و دموکراسی**، تهران، نشر قومس.
- ۱۳- موسسه آینده پژوهی جهان اسلام (۱۳۹۴) جمعیت تونس، قابل دسترسی در: <http://www.iiwfs.com>
- ۱۴- ویکی پدیا (۲۰۱۴) انقلاب تونس، قابل دسترسی در: <http://fa.wikipedia.org>

• منابع لاتین

- 1- achy ,lahcen (2010) the complications of unemployment in Tunisia, December 27. available at: http://carnegie-mec.org/publications/?fa=42200&solr_hilite
- 2- a joint study by The Government of Tunisia.The African

Development Bank. The Government of the United States(2013)" towards a new economic model for Tunisia: identifying Tunisia binding constraints to broad-based growth", mcc.

(www.mcc.gov)

3- Boughzala, Mongi (2013) " youth employment and economic transition in tunisia ", Global Economy and Development at BROOKINGS, January. (www.brookings.edu/global)

4 - Beblawi, Hozem; Luciani, Giacomo (1987) The Rentier State, New York, Croom Helm.

5-Chemingui, Mohamed and sanchez, marco (2011) assessing development strategies to achieve the mdgs in the republic of Tunisia, united nations department for social and economic affairs, October. available

at:
(https://www.un.org/en/development/desa/policy/capacity/output_studies/roa87_study_tun.pdf)

6- chossudovsky, michel (2011) Tunisia and the IMF's Diktats: How Macro-Economic Policy Triggers Worldwide Poverty and Unemployment, January 20. available at :http://www.globalresearch.ca/tunisia-and-the-imf-s-diktats-how-macro-economic-policy-riggers-worldwide-poverty-and-unemployment/22867

7- escwa.un (2009) the demographic profile of Tunisia, United Nations, World Population Policies. available at: www.escwa.un.org

8- hachicha, ahmed and lean,hooihooi (2013)" Inflation, Inflation Uncertainty and Output in Tunisia", economics-ejournal, January 07.(http://www.economics-ejournal.org)

9- toujas-Bernate,joel and rina Bhattacharya (2010) Tunisia Weathers Crisis Well, But Unemployment Persists,IMF Middle East and Central Asia Department, September 10. available at: http://www.imf.org/external/pubs/ft/survey/so/2010/car091010a.htm

10-word bank (2013) Inflation, consumer prices. available at: http://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG

